

ادراک طبقه اجتماعی از طریق ابعاد چندگانه با میانجی‌گری تصورات قالبی مرتبط با طبقه

تاریخ دریافت: 1402/8/18 تاریخ پذیرش نهایی: 1402/12/20

الهام زرگران¹، جواد صالحی^{2*}

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: مطالعات اندکی قابل مشاهده بودن طبقه اجتماعی را از طریق نشانه‌های غیرکلامی و همچنین تصورات قالبی مرتبط با طبقه را بررسی کرده‌اند. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین طبقه اجتماعی گزارش شده و ادراک شده از طریق تصاویر با میانجی‌گری تصورات قالبی مرتبط با طبقه شامل: جذابیت، صمیمیت، عاطفه، شایستگی، تسلط و بلوغ چهره است.

روش: پژوهش حاضر از مطالعات همبستگی و تحلیل مسیر بوده که از 110 دانشجوی تحصیلات تکمیلی در کتابخانه ملی ایران به صورت نمونه‌گیری در دسترس تصویربرداری شد. همچنین، افراد جایگاه طبقه اجتماعی خود را با مقیاس ذهنی طبقه اجتماعی و تحصیلات والدین مشخص کردند. سپس ادراک‌کنندگان دیگری، جایگاه طبقاتی تصاویر و تصورات قالبی مرتبط با طبقه را ارزیابی کردند. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی و تحلیل مسیر تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌های این تحقیق نشان داد که ظاهر صورت نشان‌دهنده ساختار زیربنایی طبقه اجتماعی است. همچنین نشان داد که ادراک‌کنندگانی که طبقه اجتماعی را طبقه‌بندی می‌کنند، از انواع برداشت‌های کلیشه‌ای برای قضاوت خود استفاده می‌کنند. از جمله جذابیت، شایستگی، عاطفه و صمیمیت و تمامی این متغیرها همبستگی مثبت و معناداری با طبقه اجتماعی بالاتر دارند. اما متغیرهای تسلط و بلوغ چهره همبستگی منفی با طبقه اجتماعی ادراک شده دارند و به‌عنوان متغیرهای معتبر در برداشت طبقه اجتماعی استفاده نمی‌شوند.

نتیجه‌گیری: به‌طور کلی، این پژوهش ساختار روشن‌تری از رابطه بین وضعیت طبقه اجتماعی و ظاهر چهره ارائه می‌دهد و به درک این موضوع کمک می‌کند که چگونه اولین برداشت از جایگاه طبقه اجتماعی ممکن است نه تنها بر تعاملات روزانه ما تأثیر می‌گذارد، بلکه نتایج بلندمدتی در زندگی ما دارد.

کلمات کلیدی: ادراک اولیه، ادراک فردی، طبقه اجتماعی، جایگاه طبقه اجتماعی، تصورات قالبی مرتبط با طبقه

1. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

2. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

*نویسنده مسئول: javadsalehi@znu.ac.ir

*این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه زنجان می‌باشد



Perception of Social Class through Multiple Dimensions with the Mediation of Stereotyped Ideas Related to Class

Received: 2023/11/09 Accepted: 2024/03/10

Elham Zargaran¹, Javad Salehi^{2*}

Original Article

Abstract

Introduction: Few studies have examined the observability of social class through non-verbal cues as well as stereotypes related to class. This research aimed to investigate the relationship between reported social class and perceived social class via pictures with mediating stereotypes concerning class compromised: (attractiveness, intimacy, affect, competence, power, and maturity)

Method: The current study utilized correlational and path analysis methodologies with a sample of 110 post-graduate students at the National Library of Iran. Participants assessed their social class status through a subjective scale based on parental education, and their class position in images was evaluated by external observers who also identified associated stereotypes. Data analysis involved correlation tests and path analysis techniques.

Results: The findings of this research showed that the appearance of the face shows the underlying structure of the social class. It also showed that perceivers who classify social class use a variety of stereotypes for their judgment including attractiveness, competence, affection, and intimacy and all these variables have a positive and significant correlation with higher social class. However, the variables of facial dominance and maturity have a negative correlation with the perceived social class and are not used as valid variables in the perception of social class.

Conclusion: Overall, this research provides a clearer structure of the relationship between social class status and facial appearance and helps to understand how the first impression of social class status may not only affect our daily interactions but also have long-term consequences in our lives

Keywords: first impressions, person perception, social class, socioeconomic status, stereotypes related to class

1 M. A., Department of Psychology, Zanjan University, Zanjan, Iran

2 Associate Professor, Department of Psychology, Zanjan University, Zanjan, Iran

*Corresponding Author: javadsalehi@znu.ac.ir

مقدمه

طبقه اجتماعی یک مفهوم شناختی اجتماعی است که بر پایه ویژگی‌های محیط اجتماعی مانند: (بقا و تهدیدهای اجتماعی، فراوانی یا کمبود منابع، جایگاه اجتماعی و رفتار) منجر به شکل‌گیری الگوهای متفاوت طبقاتی در شناخت، عواطف و رفتار می‌شود (پیف و کلنتر¹؛ 2017). نابرابری اقتصادی با افزایش مشکلات در روابط دوستانه بین طبقات، توزیع نامتقارن منابع و تضاد طبقاتی باعث شکل‌گیری گروه‌های طبقاتی می‌شود. با شکل‌گیری گروه‌های طبقه اجتماعی فرایند تقسیمات طبقاتی تقویت می‌شود. اضطراب و ناسازگاری که در طی روابط بین افراد در گروه‌های طبقاتی مختلف شکل می‌گیرد؛ مواعی در روابط کوتاه یا بلندمدت ایجاد می‌کند؛ مواعی که دسترسی طبقات اجتماعی بالاتر به منابع ارزشمند را بیشتر می‌کند و دسترسی طبقات اجتماعی پایین‌تر را محدود می‌کند که منجر به کم‌شدن تحرک طبقاتی می‌شود (فیسک²؛ 2002). از دیگر پیامدهای فاصله طبقاتی شکل‌گیری تصورات قالبی و شکل‌گیری پیش‌داوری است که این عوامل باعث تضعیف رفاه، سلامتی، عواطف منفی در بین افراد با طبقه اجتماعی پایین‌تر می‌شود (هایدر³ و همکاران، 2011، دورانتی⁴، فیسک، 2017). بنابراین، شناخت جنبه‌های طبقه اجتماعی و نحوه ادراک آن از مسائل مهم به‌شمار می‌رود.

محققان نشان دادند که افراد به میزان زیادی به نشانه‌های طبقه اجتماعی افراد به طرق مختلفی توجه می‌کنند و این کار را اغلب به صورت ناهشیار انجام می‌دهند. بنابراین، اهمیت دارد که شیوه‌ها و نشانه‌هایی که افراد به‌وسیله آنها طبقه اجتماعی را ادراک می‌کنند، شناسایی کنیم (کیبلر و استوارت⁵؛ 2023). یکی از راه‌های شناخت طبقه اجتماعی ادراک از طریق چهره است. چهره‌های ما منبعی غنی از اطلاعات در مورد ما هستند. این با تئوری بوم‌شناختی⁶ مطابقت دارد که بیان می‌کند ادراک اجتماعی ما، اطلاعات مفیدی در مورد افراد از محیط به دست می‌آورد، این مسئله به ما این امکان را می‌دهد که به‌طور بالقوه اطلاعات ارزشمندی را از محیط ادراک کنیم و با آن سازگار شویم. بنابراین، چهره‌ها به‌عنوان یکی از این منابع اطلاعاتی عمل می‌کنند (مک آرتور و بارون⁷؛ 1983). درواقع، ما داوری‌های اجتماعی سریعی (اغلب خودکار) را براساس چهره دیگران انجام می‌دهیم که این داوری‌های مبتنی بر چهره، اغلب دقیق و ارزشمند هستند (رول⁸ و همکاران، 2009). ما ویژگی‌هایی مانند جذابیت و سلامت را از چهره افراد تشخیص داده و درباره شخصیت‌ها و عضویت در گروه‌های اجتماعی، حتی آن دسته از گروه‌ها که به‌طور کامل به‌عنوان گروه ادراک نمی‌شود مثل جنسیت و نژاد استنتاج می‌کنیم (تاسکی⁹ و رول، 2013). ادراک طبقه اجتماعی از چهره می‌تواند تأثیر قوی و پایدار بر ادراک انسان اعمال کند که متعاقب با آن افراد را در تعامل با یکدیگر هدایت می‌کند و در رفاه و موقعیت زندگی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، این سؤال مطرح است که آیا افراد قادرند طبقه اجتماعی یکدیگر را مانند صفات دیگر از روی چهره استنباط کنند.

نمادهای طبقه اجتماعی به گونه‌ای بر روی چهره حک می‌شود که امکان توجیه استثمار اقتصادی مستمر و فقر بین‌نسلی را فراهم می‌کند (کیبلر و استوارت، 2023). نشانه‌های طبقه‌های اجتماعی باعث ایجاد مرزهای بین طبقاتی بین افراد می‌شود که منجر به شکل‌گیری تصورات قالبی و متعاقب با آن بدرفتاری و توجیه برای ظلم به افراد طبقه پایین می‌شود (واکر و اسمیت¹⁰؛ 2018). مفهوم تصورات قالبی را می‌توان ساختارهای شناختی‌ای در نظر گرفت که در گروه‌بندی کردن افراد کمک می‌کنند و

1. Kraus and Keltner

2. Fiske

3. Haider

4. Durante

5. Kiebler and Stewart

6. ecology

7. McArthur and Baron

8. Rule

9. Tskhay

10. Walker and Smith

توجیهی برای جایگاه اجتماعی فراهم می‌کنند. همچنین تصورات قالبی کیفیت‌هایی هستند که مرتبط با گروه‌های اجتماعی خاص دانسته می‌شوند (نجات و همکاران، 1390) برای مثال، تصورات قالبی در مورد زنان فعالیت جسمانی کمتر، مشارکت کمتر در ریاضی و فعالیت علمی وجود دارد؛ بنابراین شناخت تصورات قالبی در درک و کاهش تصورات قالبی منفی کمک می‌کند (باقریان و همکاران، 1400). تصورات قالبی که با نشانه‌های طبقه اجتماعی فعال می‌شود منجر به فاصله‌گرفتن از افراد پایین‌تر در سلسله‌مراتب اجتماعی می‌شود. این فاصله‌گرفتن از افراد طبقه پایین‌تر موجب تنهایی و طرد آنها می‌شود و همچنین دستیابی آنها را به موقعیت و منابع ارزشمند محدود می‌کند (پیف و کلنتر، 2017). مخصوصاً زمانی این مسئله اهمیت پیدا می‌کند که معمولاً ما با تصورات قالبی که در مورد افراد طبقه بالا مبنی بر شایستگی و سختکوش بودن در مقابل افراد طبقه پایین که تنبل هستند داریم باعث می‌شود که فقر طبقه کارگر را توجیه می‌کنیم که مانع از بررسی ساختار نابرابری به طور اساسی در جامعه می‌شود (کیبلر و استوارت، 2023). برای ارزیابی این که چگونه ادراکات از طبقه اجتماعی ناعدالتی ایجاد می‌کند ما نیاز داریم که دقیقاً مشخص کنیم که این ادراک و تصورات قالبی به چه صورت شکل می‌گیرد. بنابراین، هدف از این پژوهش توانایی ادراک طبقه اجتماعی از روی چهره از طریق نشانه‌های تصورات قالبی مرتبط با طبقه است.

مطالعات تجربی دو نوع نشانه را برای ادراک طبقه اجتماعی شناسایی کرده که افراد در تعاملات خود از آنها استفاده می‌کنند نشانه‌های کلامی و غیرکلامی. چندین مطالعه تأثیر نشانه‌های غیرکلامی را بر ادراک افراد نشان داده‌اند برای مثال، (آمبدی¹ و همکاران، 2000؛ زبورویتز²، 1997) اما هنوز مطالعات اندکی قابل‌مشاهده بودن طبقه اجتماعی را از طریق نشانه‌های غیرکلامی بررسی کرده‌اند. تاکنون چهار مطالعه ادراک طبقه اجتماعی را از طریق چهره بررسی کرده‌اند. در یک مطالعه دریافتند که ادراک‌کنندگان با تصاویر دو فرد در حال تعامل توانستند به‌درستی جایگاه را ارزیابی کنند (آشمیت‌مست و هال³، 2004). کارائوس و کلنتر (2009)، در تحقیق خود دریافتند که ادراک‌کنندگان می‌توانند از طریق ویدئوهای کوتاه از تعامل دو نفر با استفاده از نشانه‌های غیرکلامی جایگاه دو فرد را به‌درستی تشخیص دهند. همچنین آنها در تحقیق خود نشان دادند که افراد با طبقه اجتماعی بالاتر نشانه‌های توجه به مخاطب مثل (سر تکان دادن و خنده) را نسبت به شرکت‌کنندگان طبقه پایین‌تر کمتر نشان می‌دهند. در یک مطالعه دیگر ادراک نابرابری اقتصادی را از طریق اسلایدهای تعامل دونفره، تصاویر فیس‌بوک و تعاملات بررسی کردند. کارائوس و کلنتر مطرح کردند که نشانه‌های طبقاتی در تصاویر و تعاملات مانع کاهش نابرابری اقتصادی در جامعه می‌شوند که منجر به بیشتر شدن مرزهای طبقاتی و برانگیختن باورها و رفتارهای می‌شود که به نفع وضعیت اقتصادی موجود است (پیف و همکاران، 2017).

در نهایت، بیونستدی⁴ و رول (2017) در پژوهش خود دریافتند ادراک‌کنندگان نه تنها از روی چهره بادقت تشخیص داده‌اند که درآمد کسی بالاتر از سطح متوسط کشور است، بلکه توانایی این را داشتند که با استفاده از نشانه‌های بسیار ناچیز صورت (مثل چشم و دهان) طبقه اجتماعی را به‌درستی تشخیص دهند. مهم‌تر اینکه تشخیص طبقه اجتماعی در چهره با دو نوع عکس مختلف چهره آزمایش شد (عکس‌های خنثی از دانشجویان کانادایی گرفته شده در آزمایشگاه و عکس‌هایی از پروفایل‌های دوست‌یابی آنلاین آمریکا). در هر دو نوع عکس، ادراک‌کنندگان طبقه اجتماعی، افراد را به‌درستی طبقه‌بندی کردند که به شکل قابل‌توجهی بیشتر از حد شانس و تصادف بود. این مسئله نشان‌دهنده این است که طبقه اجتماعی (هنگامی که مطابق با درآمد تعریف شود) از چهره قابل‌تشخیص است. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که ادراک‌کنندگان، افراد با طبقه اجتماعی بالاتر را جذاب‌تر، شایسته‌تر، با عاطفه مثبت و صمیمیت و بلوغ چهره بیشتری ادراک می‌کنند. با این حال، نشانه‌هایی که این قضاوت‌های درست را

1. Ambady
2. Zebrowitz
3. Schmid Mast and Hall
4. Bjornsdoottir

ممکن می‌کردند تا حدودی متفاوت بودند. در مجموعه تصاویر دوست‌یابی آمریکا که تصاویر اغلب با بیانات احساسی گذاشته می‌شوند؛ ادراک‌کنندگان افراد طبقه بالاتر را جذاب‌تر ادراک می‌کردند. در مقابل، در مجموعه تصاویر خنثی که در آزمایشگاهی در کانادا تصویربرداری شده بود، ادراک‌کنندگان افراد با جایگاه اجتماعی بالاتر را با عاطفه بیشتری ادراک می‌کردند.

در مطالعه قبلی (بیونستدی و رول، 2017) تنها از یک جنبه طبقه اجتماعی - درآمد - استفاده شد. هدف از این مطالعه این بود که آیا ادراک‌کنندگان قادرند با استفاده از جنبه‌های چندگانه طبقه اجتماعی (مقیاس عینی: تحصیلات والدین، درآمد و مقیاس ذهنی) جایگاه اهداف از روی چهره را به درستی ارزیابی کنند. فایده مطالعه طبقه‌بندی اجتماعی بر اساس مقیاس ذهنی آن است که با استفاده از این روش، بهتر می‌توان توجه و دقت را در تفاوت‌های بین‌فردی نشان داد. بنابراین، با این روش طبقه‌بندی اجتماعی نتایج دقیق‌تری حاصل می‌شود (دیتز و ناولز¹، 2016). علاوه بر این، مقیاس ذهنی طبقه اجتماعی، نتایج سلامتی را قوی‌تر از درآمد پیش‌بینی می‌کند (آدلر² و همکاران، 2000). نتایج دقیق‌تر از مقیاس ذهنی در طبقه اجتماعی به این دلیل است که این روش، زمینه‌ای را که در آن پژوهش انجام می‌شود در نظر می‌گیرد. در حالی که، مقیاس‌های عینی مانند درآمد و تحصیلات این‌گونه نیستند. یعنی درآمد و تحصیلات می‌تواند دارای مقادیر نسبی متغیر در زمینه باشد (به‌عنوان مثال، دو فردی که در شهر و روستا درآمدی یکسان داشته باشند، فردی که در روستا زندگی می‌کند قدرت خرید بیشتری دارد). در حالی که، مقیاس ذهنی در طبقه اجتماعی این تفاوت‌های زمینه‌ای را در نظر می‌گیرد. در نتیجه، در این پژوهش با استفاده از مقیاس ذهنی، همبستگی بین طبقه اجتماعی گزارش شده و ادراک شده بررسی خواهد شد.

همچنین، در این مطالعه به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا ادراک‌کنندگان از نشانه‌های جذابیت، صمیمیت، عاطفه، شایستگی، بلوغ چهره و تسلط در ارزیابی جایگاه استفاده می‌کنند. در مطالعه قبل (بیونستدی و رول، 2017) نشان دادند که نشانه جذابیت در تصاویر احساسی پروفایل دوست‌یابی به‌عنوان نشانه‌ای معتبر شناسایی می‌شود. در مقابل، در تصاویر خنثی جذابیت به‌عنوان نشانه‌ای برای ارزیابی جایگاه استفاده نمی‌شود. یکی از دلایل این موضوع شاید به این دلیل باشد که در مطالعه از تصاویر سیاه‌وسفید استفاده شده بود. استفان³ و همکاران (2012) در پژوهش خود نشان دادند که تصاویر تمام‌رنگی جذابیت و سلامت را بهتر منعکس می‌کند. به همین دلیل، در این پژوهش برای برطرف کردن این تقابل از تصاویر خنثی تمام‌رنگی برای ارزیابی نشانه‌های طبقه اجتماعی استفاده شد. بنابراین در این پژوهش، به بررسی این موضوع می‌پردازیم که تصاویر خنثی رنگی می‌تواند برخلاف تصویر سیاه و سفید خنثی کانادا از جذابیت به‌عنوان نشانه‌ای برای تشخیص جایگاه استفاده کند.

برداشت اولیه طبقه اجتماعی می‌تواند تحرک طبقاتی را محدود می‌کند و چرخه نابرابری و بی‌عدالتی را تسهیل می‌کند (استفان و همکاران، 2014). نشانه‌های طبقه اجتماعی مانعی می‌شوند برای حرکت روبه‌جلو در افرادی که پیش‌زمینه پایین طبقاتی دارند. برای مثال، مصاحبه شغلی، مواجهه عاشقانه، روابط دوستانه و گردهمایی اجتماعی (پیف و کلنتر، 2017). همچنین، شکل‌گیری تصورات قالبی مرتبط با طبقه می‌تواند باعث شود که افراد طبقه پایین‌تر احساس ناآسایش کنند و اعتمادبه‌نفس آنها کمتر می‌شود. در نتیجه، افراد طبقه پایین برای رسیدن به جایگاه بالاتر تلاشی نمی‌کنند (جوری⁴ و همکاران، 2017). بنابراین، مهم است بدانیم که چگونه ظاهر چهره بر قضاوت‌های شخصی تأثیر می‌گذارد. این پژوهش کمک می‌کند که از طریق انعکاس طبقه اجتماعی بر چهره، جایگاه طبقه اجتماعی را درک کنیم و می‌فهمیم که نه‌تنها طبقه اجتماعی بر تعاملات ما تأثیر می‌گذارد بلکه، باعث قضاوت‌های سریع و خودکار هم می‌شود.

1. Dietze and Knowles

2. Adler

3. Stephens

4. Jury

روش

پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی است و برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. در این پژوهش، رابطه بین طبقه اجتماعی گزارش شده به عنوان متغیر ملاک و طبقه اجتماعی ادراک شده به عنوان متغیر پیش‌بین بررسی می‌گردد و متغیرهای عاطفه، شایستگی، جذابیت، صمیمیت، تسلط و بلوغ چهره به عنوان متغیرهای میانجی در نظر گرفته می‌شود. پژوهش حاضر در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول از دانشجویان تحصیلات تکمیلی حاضر در کتابخانه ملی ایران 110 دانشجوی به صورت نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند و از چهره آنها تصویربرداری شد. سپس، آنها پرسش‌نامه مربوطه را تکمیل کردند. 13 نفر ریزش داشتیم. در نهایت، 97 تصویر برای ارزشیابی در مرحله دوم باقی ماندند (37 زن و 60 مرد، سن 28-48). در مرحله دوم، 530 نفر ادراک‌کننده (306 زن و 224 مرد، از سن 20 تا 73) که با تصاویر گرفته‌شده آشنایی نداشتند تصاویر را از جهت طبقه اجتماعی و تصورات قالبی مرتبط با طبقه اجتماعی ارزیابی کردند. به علت حجم زیاد تصاویر و تعداد بالای متغیرها برای جلوگیری از خستگی و گیج‌شدن شرکت‌کنندگان، هر ادراک‌کننده به صورت تصادفی فقط یک متغیر را ارزیابی می‌کرد. تعداد دقیق افرادی که هر متغیر و تعداد تصاویری را که ارزیابی کردند به صورت زیر است.

برای بررسی طبقه اجتماعی ادراک شده برای 100 شرکت‌کننده از بین 97 تصویر 30 تصویر به طور تصادفی نمایش داده شد که در این صورت هر تصویر را 30 شرکت‌کننده ارزیابی کردند. جهت ارزیابی بعد تحصیلات والدین 100 ادراک‌کننده از بین 97 تصویر 30 تصویر را به طور تصادفی ارزیابی کردند که در این صورت هر تصویر را 30 شرکت‌کننده رتبه‌بندی کرد. برای ارزیابی تصورات قالبی مرتبط با طبقه اجتماعی (جذابیت، شایستگی، عاطفه، صمیمیت، بلوغ چهره و تسلط)، برای 330 ادراک‌کننده به طور تصادفی یک سؤال ارائه می‌شد و 30 تصویر از 97 تصویر نمایش داده می‌شد. در مجموع، هر تصویر را 15 ادراک‌کننده ارزشیابی کردند. ادراک‌کنندگان برای ارزیابی به سایتی که برای این پژوهش طراحی شده بود مراجعه کردند

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه تصورات قالبی: برای ادراک تصورات قالبی شش صفت عاطفه، صمیمیت، شایستگی، جذابیت، بلوغ چهره و تسلط مورد ارزیابی قرار گرفت. ادراک‌کنندگان با دیدن هر تصویر میزان ادراک خود را از هر یک از صفات در چهره در یک مقیاس درجه‌بندی اعلام می‌کردند.

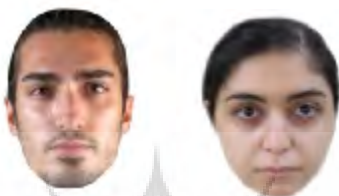
ب) عاطفه: برای رتبه‌بندی عاطفه، به شرکت‌کنندگان توضیح داده شد که آنها مجموعه‌ای از تصاویر را می‌بینند که باید براساس ادراک اولیه خود مشخص کنند که چه احساسی نسبت به تصاویر دارند. هر چهره به مدت 500 میلی‌ثانیه روی صفحه نمایش داده و سپس عکس محو می‌شود و پس از آن یک تصویر بدون چهره و سؤال نمایش داده می‌شود. شرکت‌کنندگان به این سؤال جواب می‌دادند که: «این فرد در حال حاضر چه احساسی دارد؟» از 1 (خیلی منفی) تا 10 (خیلی مثبت). پاسخ‌دادن به سؤال محدودیت زمانی نداشت. به این دلیل از محدودیت زمانی برای تصاویر استفاده شد که شرکت‌کننده اولین ادراک خود را از چهره ارزیابی کند قبل از آنکه برداشت اولیه خود را بازنویسی¹ کند (بیونستدی و رول، 2017؛ رول و همکاران، 2014).

ج) جذابیت، شایستگی، صمیمیت، بلوغ چهره و تسلط: از شرکت‌کنندگان پرسیده شد: «تصویر موردنظر چقدر جذابیت/صمیمیت/شایستگی/و تسلط دارد؟» و شرکت‌کنندگان باید از 1 (خیلی کم) تا 7 (خیلی زیاد) پاسخ می‌دادند. برای صفت

1. Overwriting: به این معنا که ادراک‌کننده فرصت پیدا می‌کند تا در ادراک چهره تعمق کند و قضاوتش دستخوش تغییر می‌شود. زمان که برای ادراک عاطفه در نظر گرفته می‌شود کمک می‌کند تا ادراک‌کننده بدون لحظه‌ای تعمق ادراک اولیه خود را از عاطفه چهره بگوید.

بلوغ چهره از شرکت‌کنندگان پرسیده شد: «به نظر شما چهره این شخص چقدر پخته (بلوغ چهره) است؟» و شرکت‌کنندگان از 1 (خیلی کودکانه) تا 7 (خیلی بالغ) پاسخ می‌دادند.

(د) تصاویر: از چهره 110 دانشجوی تحصیلات تکمیلی در کتابخانه ملی ایران تصویربرداری شد. قبل از تصویربرداری هر فرد یک فرم رضایت‌نامه برای استفاده از تصویر در آزمون امضا کرد. سپس، از هر فرد خواسته شد بدون حالت هیجانی و به شکل خنثی به دوربین به صورت مستقیم نگاه کند. بیونستدی (2017)، در پژوهش خود نشان داد که حالت هیجانی می‌تواند ادراک‌کننده را در ادراک برخی از صفات از جمله عاطفه به اشتباه بیندازد. به همین دلیل در این پژوهش از تصاویر به صورت خنثی استفاده شد. تمامی تصاویر از بالای سر و زیر چانه و دور گوش برش داده شد و به اندازه 400 در 400 پیکسل استاندارد شد. استفان و همکاران (2012) دریافتند که رنگ صورت عامل مهمی در قضاوت جذابیت چهره است به همین دلیل تمامی تصاویر به صورت رنگی نمایش داده شدند.



شکل 1. نمونه تصاویر زن و مرد

(ه) مقیاس مک‌آرتور: مقیاس مک‌آرتو توسط روان‌شناس سلامت نانسی آدلر و همکاران در سال 2000 طراحی شد. مقیاس مک‌آرتور یک مقیاس ذهنی طبقه اجتماعی است که ادراک فرد را از جایگاه نسبی خودش در جامعه نسبت به دیگران ارزیابی می‌کند. آدلر در این مقیاس از یک نردبان با ده پله استفاده کرده است (شکل 2). در این مقیاس برای شرکت‌کنندگان توضیح می‌دهند که نردبان جایگاه افراد را در جامعه نشان می‌دهد. در بالای نردبان افرادی قرار دارند که بیشترین پول، بیشترین تحصیلات و بهترین شغل را دارند. در پایین نردبان افرادی که کمترین پول، کمترین تحصیلات و بدترین شغل (مشاغلی که احترام کمتری دارند) یا بدون شغل هستند قرار دارند و سپس از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا جایگاه نسبی خود را نسبت به دیگران در این نردبان با زدن علامت X مشخص کنند.



شکل 2. نردبان مک‌آرتور

در پژوهشی که جیاتی¹ و همکاران (2012) در ارتباط با پایایی مقیاس مک‌آرتور انجام دادند؛ مقدار مقیاس کاپا 0/62 و دامنه ICC آن 0/64 بود. همچنین اشمیت‌مست و هال (2004) در پژوهش خود نشان دادند مقیاس موقعیت ذهنی (مقیاس مک‌آرتور) همبستگی قوی با مقیاس‌های متعارف موقعیت عینی (پرستیژ شغلی، درآمد، تحصیلات) دارد که اعتبار مناسب اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

جهت بررسی پایایی از ابزار در این پژوهش از قابلیت اعتماد ترکیبی شاخص دیلون-گلدشتاین استفاده شد. از شاخص مذکور به دلیل برتری نسبی آن بر آلفای کرونباخ استفاده شد؛ زیرا آلفای کرونباخ به همه گویه‌ها وزن یکسان می‌دهد (مانوئل، فرانسیسکو

1 Giatti

و فلیکس، 2005؛ عبدی ورمزان، فراهانی و خانی‌پور، 1401). میزان قابلیت اعتماد ترکیبی نردبان مک‌آرتور با گویه دیگر اندازه‌گیری طبقه اجتماعی در این تحقیق تحصیلات والدین ادراک شده میزان 0/77 را نشان می‌دهد که در شاخص دیلون - گلدشتاین برای این که یک گویه قابلیت پذیرش داشته باشد باید مقادیر بیشتر از 0/70 را کسب کند که نشان‌دهنده پایایی ابزار در این پژوهش است.

و) مقیاس عینی طبقه اجتماعی: مقیاس عینی طبقه اجتماعی به صورت (درآمد، پرستیژ شغلی و تحصیلات) اندازه‌گیری می‌شود. به دلیل محدودیت، عدم تمایل و ناآگاهی از درآمد دقیق والدین از بعد درآمد، صرف نظر شد. همین‌طور، در مورد پرستیژ شغلی که بستگی به موقعیت زمینه‌ای دارد و دارای تعاریف گوناگون در زمینه‌های متفاوت است، این مقیاس هم مورد بررسی قرار نگرفت. در نتیجه، فقط بعد تحصیلات والدین، مورد بررسی قرار گرفت و شرکت‌کنندگان تحصیلات والدین خود را در یک مقیاس درجه‌بندی شش‌گزینه‌ای از زیر دیپلم تا دکترا مشخص کردند. داده‌ها با استفاده از رگرسیون همزمان تحلیل شد و سپس از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری برای تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر طبقه اجتماعی ادراک شده به عنوان متغیر برون‌زاد و تصورات قالبی مرتبط با طبقه اجتماعی به عنوان متغیر واسطه‌ای و طبقه اجتماعی گزارش شده به عنوان متغیر درون‌زاد هستند. شرکت‌کنندگان این پژوهش را 97 نفر با میانگین سنی 29.59 تشکیل دادند. برای بررسی رابطه طبقه اجتماعی گزارش شده و ادراک شده با میانجی‌گری تصورات قالبی، ابتدا از رگرسیون چندگانه هم‌زمان استفاده شد. پس از بررسی مشخص شد به دلیل همبستگی بالای 0/7 برخی از متغیرهای مستقل (جدول 1)، فرضیه هم‌خطی بودن رعایت نمی‌شود به همین دلیل برای کاهش متغیرهای میانجی از تحلیل عاملی استفاده شد.

جدول 1. ماتریس همبستگی بین متغیرهای طبقه اجتماعی گزارش شده، طبقه اجتماعی ادراک شده، تحصیلات والدین،

جذابیت، شایستگی، صمیمیت، عاطفه، بلوغ چهره و تسلط									
متغیر	1	2	3	4	5	6	7	8	9
طبقه اجتماعی گزارش شده	1								
طبقه اجتماعی ادراک شده	0/60	1							
ادراک تحصیلات والدین	0/30	0/56	1						
جذابیت	0/63	0/54	0/39	1					
شایستگی	0/63	0/49	0/35	0/94*	1				
صمیمیت	0/53	0/57	0/44	0/38	0/35	1			
عاطفه	0/51	0/69	0/43	0/45	0/40	0*/86	1		
بلوغ چهره	-0/11	-0/11	-0/21	0/04	0/01	-0/16	-0/16	1	
تسلط	-0/09	0/05	-0/15	-0/09	-0/15	-0/07	-0/07	0*/86*	1

شش آیتم (جذابیت، شایستگی، صمیمیت، عاطفه، بلوغ چهره، تسلط) مورد تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) با استفاده از SPSS نسخه 16 قرار گرفتند. قبل از اجرای PCA مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عامل ارزیابی شد. بررسی ماتریس همبستگی

نشان داد چندین ضریب 0/3 و بالاتر وجود دارد. مقدار کبسر - میر - اوکلین¹ 0/61 بود که بالاتر از مقدار توصیه‌شده 0/6 (کایزر 1970، 1974) بود و آزمون کرویت بارتلت² (بارتلت 1954) به لحاظ آماری معنادار بود که عامل‌پذیری ماتریس همبستگی را تأیید می‌کند.

تحلیل مؤلفه‌های اصلی وجود سه مؤلفه با ارزش‌های ویژه بیش از 1 را نشان دادند که به ترتیب 3/70، 1/84، 1/16 از واریانس را تبیین می‌کند. بررسی نمودار شیب‌دار یک تغییر واضح پس از سومین مؤلفه نشان می‌دهد. با استفاده از آزمون شیب‌دار کتل (1966) مقرر شد که سه مؤلفه برای بررسی بیشتر حفظ شوند. این انتخاب با استفاده از تحلیل موازی نیز تأیید شد، که فقط سه مؤلفه با ارزش‌های ویژه بیش از مقادیر معیار متناظر در ماتریس داده‌های تصادفی با اندازه مشابه را نشان می‌دهند (پاسخ‌دهنده 97 × متغیر6).

راه‌حل سه مؤلفه‌ای در مجموع 84/03% واریانس را تبیین کرد که سهم مؤلفه¹ یک (46/35%) و سهم مؤلفه² دو (23/09) و سهم مؤلفه سوم (14/75) بود. برای کمک به تفسیر این دو مؤلفه، چرخش پرومکس³ انجام شد. تفسیر دو مؤلفه با تحقیقات گذشته در مورد مقیاس تصورات قالبی مرتبط با طبقه (بیونستدی، 2017) همسان بود. آیتم‌های جذابیت و شایستگی روی مؤلفه 1 تحت عنوان جذابیت، عاطفه و صمیمیت روی مؤلفه 2 تحت عنوان مثبت‌بودن، بلوغ چهره و تسلط روی مؤلفه 3 تحت عنوان قدرت. نتایج این تحلیل استفاده از آیتم‌های جذابیت، مثبت‌بودن و قدرت را به‌عنوان مقیاس‌های جداگانه توصیه کرده‌اند.

جدول 2. عوامل چرخش یافته برای متغیرهای میانجی

متغیر	مثبت‌بودن	جذابیت	قدرت
عاطفه	*0/94	-0/038	0/015
صمیمیت	*0/95	-0/11	-0/009
جذابیت	0/061	*0/95	0/026
شایستگی	-0/013	*0/98	-0/027
بلوغ چهره	-0/15	0/15	*0/94
تسلط	0/13	0/14	*0/97

به منظور بررسی مدل مفهومی پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مجذورات جزئی استفاده شد تا با استفاده از نتایج آزمون به بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش و ضرایب قابلیت اعتماد و کیفیت مدل پرداخته شود. در مدل Smart PLS جهت بررسی برازش مدل، SSE (مجموع مجذورات خطای پیش‌بینی) برای هر بلوک متغیر پنهان و SSE/SSO نیز شاخص اعتبار اشتراک CV-COM را نشان می‌دهد و اگر شاخص واری اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان مثبت باشد، مدل اندازه‌گیری کیفیت مناسب دارد (کوه‌بومی؛ قمری؛ حسینیان، 1401). بر این اساس یافته‌های جدول 3 نشان می‌دهد که شاخص واری اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان برای تمام سازه‌ها مثبت است.

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of sampling Adequacy (KMO)

2. Bartlett's Test of Sphericity

3. Promax rotation

جدول 3. شاخص واریسی اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان

متغیر	SSO	SSE	1-SSE/SSO
طبقه اجتماعی گزارش شده	116	116	
طبقه اجتماعی ادراک شده	232	152/336	0/343
زیبایی	232	146/401	0/369
مثبت بودن	232	171/468	0/261
قدرت	232	229/867	

ضرریت تعیین R2 معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود. به گفته چین¹ (2010) مقادیر 0/19، 0/33 و 0/60 ملاک ضعیف، متوسط و قوی برای R2 هستند (عبدی‌ورمزان، فراهانی و خانی‌پور، 1401). همان‌طور که در جدول 4 مشاهده می‌شود R2 برای سازه طبقه اجتماعی ادراک شده و زیبایی به ترتیب (0/50 و 0/41) که ارتباط قوی و برای مثبت بودن (0/29) که ارتباط متوسط دارد را نشان می‌دهد. برای سازه قدرت ضریب R2 (0/013) که نشانه ارتباط ضعیف است.

جدول 4. ضریب تعیین R2 برای سازه‌های مدل

سازه	R ²
طبقه اجتماعی ادراک شده	0/50
زیبایی	0/41
مثبت بودن	0/29
قدرت	0/013

شاخص‌های برازش مدل قبل از اصلاح مدل (SRMR = 0/085 و NIF = 0/69) و بعد از اصلاح مدل (SRMR = 0/070) و (NIF = 0/74) است که نشان‌دهنده بهبود شاخص بعد از اصلاح مدل است. به منظور آزمون فرضیه‌های مدل از معناداری ضرایب مسیر بهره برده شد. برای محاسبه t از آزمون بوت استراپ استفاده شد. جدول 5 نشانگر ضرایب مسیر و آماره t مدل، معناداری و نتیجه آزمون فرضیه‌ها است.

جدول 5. ضرایب مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم و آماره t مربوط به مسیرها

روابط مورد بررسی	ضرایب مسیر	آماره t	معناداری	نتیجه
طبقه اجتماعی ادراک شده ← زیبایی	0/30	2/63	0/008	تأیید
طبقه اجتماعی گزارش شده ← زیبایی	0/64	11/02	0/00	تأیید
طبقه اجتماعی ادراک شده ← مثبت بودن	0/51	4/52	0/00	تأیید
طبقه اجتماعی گزارش شده ← مثبت بودن	0/54	5/68	0/00	تأیید
طبقه اجتماعی ادراک شده ← قدرت	- 0/05	0/50	0/61	رد
طبقه اجتماعی گزارش شده ← قدرت	- 0/11	1/06	0/28	رد
طبقه اجتماعی ادراک شده ← طبقه اجتماعی گزارش شده	0/50	8/13	0/00	تأیید

1. chin

باتوجه به یافته‌های گزارش شده در جدول 5 روابط طبقه اجتماعی ادراک شده با متغیر میانجی زیبایی و مثبت بودن و روابط طبقه اجتماعی گزارش شده با متغیر میانجی زیبایی و مثبت بودن بزرگتر (1/96) بود و مسیرهای مسقیم پیشنهادی در مدل مفروض در سطح معناداری کوچکتر از (0/05) مورد تأیید قرار می‌گیرند. همچنین رابطه غیر مستقیم طبقه اجتماعی ادراک شده و طبقه اجتماعی گزارش شده در سطح معناداری (0/00) مورد تأیید قرار می‌گیرد. یعنی به وسیله ادراک کنندگان از متغیرهای زیبایی و مثبت بودن برای جایگاه بالاتر طبقات اجتماعی اهداف استفاده می‌کنند. اما متغیر قدرت سطح t آنها کوچکتر از (1/96) است و سطح معناداری آنها بزرگتر از (0/05) است. بدین معنی که ادراک کنندگان از متغیر قدرت برای ادراک جایگاه افراد استفاده نمی‌کنند و فرضیه مورد نظر رد می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی رابطه طبقه اجتماعی گزارش شده و ادراک شده با میانجی‌گری تصورات قالبی مرتبط با طبقه انجام گرفت. باتوجه به یافته‌ها، در کل می‌توان گفت که مقیاس طبقه اجتماعی ذهنی در چهره خنثی قابل تشخیص است و همبستگی بزرگی بین طبقه اجتماعی گزارش شده و ادراک شده وجود دارد. این اطلاعات همسو با یافته‌های مطالعه قبلی (بیونستدی و رول، 2017) است. همچنین تحصیلات والدین ادراک شده همبستگی متوسط اما معناداری با طبقه اجتماعی گزارش شده دارد. اما تحصیلات ادراک شده والدین همبستگی ضعیفی با تحصیلات گزارش شده والدین دارد و این بعد از مقیاس به‌عنوان یک پیش‌بینی کننده معتبر رد می‌شود.

در ارتباط با عدم همبستگی تحصیلات والدین گزارش شده و ادراک شده، یافته‌های تحقیق حاضر مغایر با تحقیقات کارائوس و کلنتر (2009) است. آنها در پژوهش خود نشان دادند ادراک کنندگان قادر بودند درآمد خانواده، تحصیلات والدین و مقیاس ذهنی طبقه اجتماعی اهداف را به درستی تشخیص دهند. آنها در این پژوهش از 60 اسلاید کوتاه از تعامل دو فرد در محیط اداری که به وسیله یک فرد غریبه بررسی می‌شد، استفاده کردند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، شاید مغایرت این پژوهش با پژوهش فعلی در این است که تحصیلات خانوادگی بیشتر در تعاملات تجلی پیدا می‌کند تا در تصاویر خنثی. با این حال، مستثنی کردن تحصیلات والدین از عوامل طبقه اجتماعی، الگوی نتایج گزارش شده را تغییر نداد؛ بنابراین، در مدل سازی از این مقیاس استفاده شد.

همچنین در مقدمه مطرح شد که طبقه اجتماعی افراد را می‌توان از طریق ابعاد چندگانه طبقه اجتماعی (مانند، تحصیلات والدین، درآمد مالی والدین و مقیاس ذهنی) عملیاتی کرد. نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که طبقه اجتماعی نه تنها از یک بعد قابل شناسایی است؛ بلکه تعامل ابعاد دیگر (مانند تحصیلات والدین و طبقه اجتماعی ذهنی) نیز در چهره قابل تشخیص است. باتوجه به اینکه در مطالعه (بیونستدی و رول، 2017) نشان داده شد که یک بعد از طبقه اجتماعی (درآمد) در چهره منعکس می‌شود، در این پژوهش مشخص شد که ابعاد مختلف دیگر هم می‌توانند نشان دهنده جایگاه متفاوت طبقاتی افراد باشند. این نشان دهنده همبستگی متوسط تا بالا ابعاد اندازه‌گیری طبقه اجتماعی است.

به علاوه، این مطالعه نشان داد که بر روی یک پیوستار هم می‌توان طبقه اجتماعی افراد را از روی چهره تشخیص داد. در واقع، قضاوت ادراک کنندگان درباره طبقه اجتماعی افراد فقط در ابتدا و انتهای مقیاس‌ها دسته‌بندی نشده‌اند (صفر یا یک)، بلکه در امتداد دامنه هر مقیاس در توزیع‌های نرمال، مشابه با دنیای واقعی توزیع شده‌اند (آدلر و همکاران، 2000). این یافته همچنین همسو با مطالعات سینگ - مانوکس¹ و همکاران، (2003) است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: مقیاس طبقه اجتماعی ذهنی

1. Singh-Manoux

نه تنها شرایط زندگی فعلی فرد را نشان می‌دهد؛ بلکه کیفیت زندگی فرد در گذشته، مثل شرایط اقتصادی - اجتماعی، تحصیلات و پیشینه اقتصادی، همراه با چشم‌انداز آینده آنها را نیز می‌تواند منعکس کند.

یافته‌های پژوهش همچنان نشان دادند که متغیر مکنون (جذابیت و شایستگی) با طبقه اجتماعی ادراک شده و گزارش شده رابطه دارد. شرکت‌کنندگانی که گزارش دادند طبقه اجتماعی بالاتری دارند جذاب‌تر از افرادی که متعلق به طبقات پایین بودند به نظر می‌رسیدند و همچنین ادراک‌کنندگان افراد با جذابیت بیشتر را متعلق به طبقات اجتماعی بالاتر ادراک می‌کردند. این یافته همسو با مطالعات قبلی درباره تفاوت در سلامتی و رفاه طبقات اجتماعی مختلف است (برای مثال، داینر¹ و بیسواس - دینر، 2002؛ سینگ - مانوکس و همکاران، 2003). همچنین همسو با تحقیقات دورانتی و همکاران (2013) است که طبقه اجتماعی و تصوراتی قالبی مرتبط با طبقه را در چندین کشور بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که تأثیر طبقه اجتماعی بر روی چهره در بین ملت‌های مختلف هم سازگار است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد از متغیر جذابیت برای درک طبقه اجتماعی دیگران استفاده می‌کنند.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق نشان داد که تصاویر رنگی بهتر می‌توان جذابیت را در چهره منعکس کند. همان‌طور که در بالا اشاره شد، بیونستدی و رول (2017) در پژوهش خود زمانی که تصاویر دوست‌یابی آمریکا را بررسی کردند میزان همبستگی متغیر جذابیت با طبقه اجتماعی گزارش شده و ادراک شده از همه بیشتر بود. اما در مرحله بعد که از تصاویر خنثی در آزمایشگاه استفاده کردند دیگر جذابیت به‌عنوان نشانه‌ای معتبر عمل نکرد. در مطالعه قبل از تصاویر خاکستری استفاده شد، اما در این مطالعه از اهداف تمام‌رنگی استفاده شد؛ زیرا همان‌طور که اشاره کردیم استفان و همکاران (2014) در مطالعه خود نشان دادند که تصاویر رنگی بهتر می‌توانند جذابیت و سلامتی را منتقل کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، تصاویر رنگی می‌توانند بهتر جذابیت در چهره نشان دهد. در مطالعه حاضر متغیر جذابیت با استفاده از تصاویر رنگی، به‌عنوان مقیاسی معتبر شناخته شد.

یافته‌ها از فرضیه شایستگی به‌عنوان متغیر میانجی در ادراک طبقه اجتماعی حمایت کردند. این نتایج همچنین همسو با تحقیقات کارائوس و کلنتر (2013) است که در یک نظرسنجی در مقیاس بزرگ نشان دادند که افراد ثروتمند در سطح جهانی شایسته‌تر ادراک می‌شوند. یک تحقیق بین‌المللی، با فرهنگ‌های مختلف افراد طبقه بالاتر را حتی با شایستگی بیشتری در جوامع نابرابر نسبت به جوامع برابر ادراک می‌کردند (دورانتی و همکاران، 2017). بنابراین، در تبیین این یافته می‌توان گفت که متغیر شایستگی متغیر معتبری در ادراک طبقه اجتماعی است و ادراک‌کنندگان، افراد با طبقه اجتماعی بالاتر را شایسته‌تر ادراک می‌کنند. متغیر مثبت‌بودن (شامل عاطفه و صمیمیت) است که با طبقه اجتماعی گزارش شده و ادراک شده رابطه داشتند. شرکت‌کنندگانی که گزارش دادند طبقه اجتماعی بالاتری دارند مثبت‌تر از افرادی که متعلق به طبقات پایین‌تر بودند به نظر می‌رسیدند و همچنین ادراک‌کنندگان افراد با عاطفه بیشتر را با طبقات اجتماعی بالاتر ادراک می‌کردند. یافته‌های این تحقیق همسو با مطالعه بیونستدی و رول (2017) و آدام و همکاران (2016) و هندرسون² و همکاران (2016) است که انعکاس عاطفه مثبت در چهره را بررسی کردند.

تبیین اول این یافته این است که انعکاس متغیر عاطفه و صمیمیت بر روی چهره به‌عنوان متغیر میانجی در ادراک دقیق طبقه اجتماعی این است که افراد تا حد زیادی متکی بر عبارات احساسی ظریف هستند که در طول زمان در ساختار چهره دیگران حک شده است. تحقیقات پیشین مشخص کردند که بیان عادات احساسی در طول زمان بر چهره خنثی افراد تجلی پیدا می‌کند (آدام و همکاران، 2016؛ مالاستا و همکاران، 1987). تبیین دوم این یافته در ارتباط با رفاه بیشتری است که افراد طبقه بالا در زندگی برخوردارند. آنها عواطف مثبت‌تر را در طول زندگی تجربه می‌کنند و به‌همین دلیل عواطف مثبت‌تر را هم ابراز می‌کنند. ماهیچه‌های

1. Diener and Biswas-Diener

2. Henderson

صورت فرد ممکن است بزرگ شود و پوست فرد ممکن است به‌گونه‌ای تا شود که این بیانات مکرر احساسی را منعکس کند و در نتیجه ظاهر خنثی شبیه به حالات مکرر احساسی فرد می‌شود (آدام و همکاران، 2016). همچنین ممکن است تجارب دشوار افراد طبقه پایین‌تر و تجارب لذت‌بخش افراد طبقه بالاتر در چهره به‌عنوان یک مکانیزم ظاهر شود. تبیین سوم این یافته از این قرار است که نتایج مطالعات قبلی حاکی از آن است که رفاه با عاطفه همبستگی مثبت دارد و دلیل انعکاس عاطفه بیشتر در طبقه اجتماعی بالاتر رفاه بیشتر نسبت به طبقه اجتماعی پایین‌تر است (بیونستدی و رول 2017). علاوه‌براین، رابطه عاطفه مثبت و انتساب آن به شرکت‌کنندگان ثروتمند نشان می‌دهد که ادراک‌کنندگان از این نشانه برای تشخیص طبقه اجتماعی دیگران استفاده می‌کنند.

در ارتباط با رابطه متغیر صمیمیت با ادراک طبقه اجتماعی نتایج حاصل‌شده با برخی از پژوهش‌های پیشین مغایر است. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از همبستگی مثبت متغیر صمیمیت با طبقه اجتماعی گزارش شده است. در مقابل برای مثال، کارائوس و همکاران (2010)، در پژوهش خود نشان دادند که افراد طبقه پایین‌تر صمیمیت بیشتری نسبت به افراد طبقه بالاتر دارند. آنها بیان کردند که افراد طبقه پایین‌تر به دو دلیل میزان بیشتری از همدلی نسبت به هم‌تایان خود در طبقه بالاتر دارند. اول، درحالی‌که افراد طبقه بالاتر تمایل دارند که به دست‌آوردها و ویژگی‌های منحصربه‌فرد خودشان تمرکز کنند، افراد طبقه پایین بیشتر گرایش دارند به ویژگی‌های بافت اجتماعی توجه کنند که همین مسئله باعث می‌شود بیشتر از احساسات و اعمال دیگران آگاه شوند. دوم، افراد طبقه پایین‌تر استقلال کمتری نسبت به افراد طبقه بالاتر در رفتار خود دارند و بیشتر به دیگران متکی هستند دقت همدلی به آنها کمک می‌کند روابط وابسته‌تر را افزایش دهند. به‌علاوه، کوتاه و همکاران (2017) در یک تحقیق دریافتند که افراد طبقه پایین دلسوزی بیشتری برای دیگران نشان می‌دهند و همچنین هنگام دیدن ویدئوهایی از افرادی که در شرایط ناراحت‌کننده قرار گرفته‌اند کاهش ضربان قلب دارند. از طرف دیگر این پژوهش، همسو با پژوهش بیونستدی (2017) است که در تحقیق خود از مقیاس عینی در ادراک طبقه اجتماعی استفاده کرده بود و صمیمیت را به‌عنوان مقیاسی معتبر مشخص کرده بود. در تبیین مغایرت برخی از پژوهش‌ها با این پژوهش می‌توان گفت که ادراک‌کنندگان افراد طبقه بالاتر را با صمیمیت بیشتری در چهره ادراک می‌کنند. شاید دلیل این مغایرت این باشد که کارائوس و کلتنر و کوتاه و همکاران در پژوهش خود پاسخ همدلی افراد را بررسی کردند؛ ولی در این پژوهش صمیمیت در چهره بررسی شد و به دلیل همبستگی بالای صمیمیت با عاطفه مثبت، متغیر صمیمیت همبستگی بالایی با طبقه اجتماعی بالاتر دارد. همچنین این فرضیه همسو با پژوهش بیونستدی و رول (2017) است که در پژوهش نشان دادند، چهره صمیمی‌تر با جایگاه بالاتر طبقه اجتماعی ادراک می‌شود.

اما یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که متغیرهای تسلط و بلوغ چهره **نشانه‌ای معتبر** برای تشخیص طبقه اجتماعی نبودند. یافته‌های این پژوهش مغایر با یافته‌های مولر و مازر (1996) و رول آمیدی (2011) بود که دریافتند افراد طبقه بالاتر تسلط بیشتری دارند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، این عدم ارتباط به این دلیل است که افراد با طبقه بالاتر عاطفه مثبت‌تر داشتند. همان‌طور که بری و مک‌آرتور (1985) دریافتند که همبستگی قابل‌توجهی بین ویژگی‌های صورت و ویژگی‌های شخصیتی فرد وجود دارد. افراد با صورت کودکانه صمیمی‌تر ادراک می‌شوند. درحالی‌که، افراد با چهره پخته‌تر قدرتمندتر دیده می‌شوند.

همچنین تبیین دیگر این یافته این است که افراد با چهره‌های شاد، عصبانی و شگفت‌زده با تسلط کمتر ادراک می‌شوند (مونتیپر و دوییش، 2003)، چشمان کوچک در مقابل چشمان بزرگ نشانگر تسلط بیشتر است (کیتینگ و همکاران، 1981). در نتیجه، نشانه بلوغ چهره و تسلط به دلیل همبستگی منفی که با عاطفه مثبت داشتند به‌عنوان نشانه‌ای معتبر برای تشخیص طبقه اجتماعی عمل نکردند.

به‌طوری کلی، این پژوهش ضمن روشن ساختن بیشتر ساختار زیربنایی طبقه اجتماعی بینش بیشتری در زمینه تجلی طبقه اجتماعی در چهره به دست داد، و نشان داد که نه یک بعد (که در پژوهش‌های قبلی مدنظر بود) بلکه چندین بعد از ویژگی‌های

طبقه اجتماعی در چهره منعکس می‌شود. همچنین معلوم شد که یافته‌های حاصله در این زمینه در بافت‌های فرهنگی مختلف در ایران (پژوهش حاضر)، کانادا و آمریکا (در پژوهش بیونستی و همکاران، 2017) مشابه است. از طرف دیگر، معلوم شد که تصورات قالبی مرتبط با طبقه اجتماعی با برخی از مهم‌ترین پیامدهای وضعیت طبقه اجتماعی (سلامت و رفاه) هم‌خوان هستند؛ بنابراین، این یافته‌ها نه تنها نشان می‌دهند که طبقه اجتماعی به‌طور مشابه در همه بافت‌ها تأثیر می‌گذارد؛ بلکه با یافته‌های همه‌گیرشناسی همسو هستند که نشان‌دهنده این است که همبستگی سلامت و رفاه با طبقه اجتماعی در کشورهای مختلف مشابه است (هاوشوفر و فهر، 2014). در نهایت، این پژوهش اطلاعاتی را فراهم نمود تا نحوه انعکاس طبقه اجتماعی در چهره را درک کنیم، و این که چگونه تأثیر برداشت اولیه از طبقه اجتماعی در تعاملات روزمره می‌تواند منجر به پیامدهای طولانی‌مدت شود.

محدودیت‌های که در پژوهش حاضر باید در نظر گرفته شود این است که یک، بسیاری از شرکت‌کنندگان میزان درآمد والدین خود را نمی‌دانستند. به همین دلیل، این پژوهش نتوانست از بعد درآمد به‌عنوان یکی از ابعاد طبقه اجتماعی استفاده کند. دوم، از آنجاکه از نمونه در دسترس در این پژوهش استفاده شد توزیع جنسیت در پژوهش یکسان نبود (60 مرد و 37 زن) به دلیل عدم رضایت بیشتر نمونه‌های زن برای استفاده از تصاویر در پژوهش.

بر این اساس پیشنهادها در راستای پژوهش‌های بعدی این است که یافته‌ها در نمونه‌های متنوع‌تر که شامل افراد از طبقات مختلف اجتماعی و با دامنه سنی گسترده‌تر، تکرار شود. افسیه‌زاده و همکاران (1400) در پژوهش خود اشاره کردند زنان توانایی بیشتری در ادراک نابرابری دارند پژوهشگران بعدی می‌توانند بررسی کنند آیا بین جنسیت شرکت‌کنندگان در تشخیص طبقه اجتماعی تفاوتی وجود دارد. یکی دیگر از کارهایی که پژوهش‌های آینده می‌توانند به آن بپردازند این است که به بررسی تفاوت‌های توانایی خوانش طبقه اجتماعی در شرکت‌کنندگان با سنین بیشتر که تجارب عمیق‌تری در زندگی کسب کرده‌اند با شرکت‌کنندگان سنین کمتر بپردازند.

منابع

- افسیه‌زاده، مریم؛ فرقدانی، آزاده؛ شاطریان محمدی، فاطمه (1400). بررسی نقش میانجی سبک‌های تبادل اجتماعی در روابط فعال‌سازی - بازداری رفتاری و احقاق جنسی در زنان متأهل. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*. 11 (43)، 67-88.
- باقریان، مازیار؛ پورمند، روناک؛ باباپور، جلیل؛ هاشمی نصرت‌آباد، تورج. (1400). پیش‌بینی نقش‌های جنسیتی بر اساس جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه آشکار و ناآشکار (ضمنی) در نوجوانان. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*. 12 (46)، 123-141.
- عبدی‌ورزمان، مراد؛ فراهانی، محمدنقی؛ خانی‌پور، حمید. (1401). پیش‌بینی رفتار صرفه‌جویی برق خانگی؛ نقش انگیزش و نیاز اجتماعی به مصرف. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*. 12 (47)، 33-55.
- کوه‌بومی، ژاله؛ قمری، محمد؛ حسینیان، سیمین. (1401). نقش میانجی‌گر تاب‌آوری در رابطه بین سبک‌های مقابله‌ای با کیفیت زندگی و خشونت خانگی علیه زنان در دوران قرنطینه کرونا و ویروس. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*. 12 (48)، 75-88.
- نجات، پگاه؛ پورنقاش تهران، سید سعید؛ حاتمی، جواد. (1390). تصورات قالبی جنسیتی مرتبط با گروه رشته‌های تحصیلی مختلف در ذهن دانشجویان ایرانی. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*. 1 (3).

- Adams Jr, R. B., Garrido, C. O., Albohn, D. N., Hess, U., & Kleck, R. E. (2016). What facial appearance reveals over time: When perceived expressions in neutral faces reveal stable emotion dispositions. *Frontiers in Psychology*, 7, 986.
- Adler, N. E., Epel, E. S., Castellazzo, G., & Ickovics, J. R. (2000). Relationship of subjective and objective social status with psychological and physiological functioning: Preliminary data in healthy, White women. *Health Psychology*, 19, 586-592.
- Ambady, N., Bernieri, F. J., & Richeson, J. A. (2000). Toward a histology of social behavior: Judgmental accuracy from thin slices of the behavioral stream. *Advances in Experimental Social Psychology*, 32, 201-271.
- Berry, D. S., & McArthur, L. Z. (1985). Some components and consequences of a babyface. *Journal of Personality and Social Psychology*, 48, 312-323.

- Bjornsdottir, R. T., Alaei, R., & Rule, N. O. (2017). The perceptive proletarian: Subjective social class predicts interpersonal accuracy. *Journal of Nonverbal Behavior*, *41*, 185-201.
- Chin, W. W. (2010). How to write up and report PLS analyses. In *Handbook of partial least squares* (pp. 655-690). Springer, Berlin, Heidelberg.
- Côté, S., Kraus, M. W., Carpenter, N. C., Piff, P. K., Beermann, U., & Keltner, D. (2017). Social affiliation in same-class and cross-class interactions. *Journal of Experimental Psychology: General*, *146*, 269-285.
- Diener, E., & Biswas-Diener, R. (2002). Will money increase subjective well-being? *Social Indicators Research*, *57*, 119-169.
- Dietze, P., & Knowles, E. D. (2016). Social class and the motivational relevance of other human beings: Evidence from visual attention. *Psychological Science*, *27*, 1517-1527.
- Durante, F., & Fiske, S. T. (2017). How social-class stereotypes maintain inequality. *Current Opinion in Psychology*, *18*, 43-48.
- Durante, F., Tablante, C. B., & Fiske, S. T. (2017). Poor but warm, rich but cold (and competent) : Social classes in the stereotype content model. *Journal of Social Issues*, *73*, 138-157.
- Durante, F., Fiske, S. T., Kervyn, N., Cuddy, A. J. C., Et al. (2013). Nations' income inequality predicts ambivalence in stereotype content: How societies mind the gap. *British Journal of Social Psychology*, *52* (4) , 726-746.
- Fiske, S. T., Cuddy, A. J., Glick, P., & Xu, J. (2002). A model of (often mixed) stereotype content: Competence and warmth respectively follow from perceived status and competition. *Journal of Personality and Social Psychology*, *82*, 878.
- Giatti, Luana; Camelo, Lidyane do Valle; Rodrigues, Josi Fernandes de Castro; Barreto, Sandhi Maria. (2012). Reliability of the MacArthur scale of subjective social Status- Brazilian Longitudinal Study of Adult Health (EISA-Brasil). *BMC Public Health* 2012,12:1096
- Haider, A. H., Sexton, J., Sriram, N., Cooper, L. A., Efron, D. T., Swoboda, S., ... & Lipsett, P. A. (2011). Association of unconscious race and social class bias with vignette-based clinical assessments by medical students. *Journal of the American Medical Association*, *306*, 942-951.
- Haushofer, J., & Fehr, E. (2014). On the psychology of poverty. *Science*, *344*, 862-867.
- Henderson, A. J., Holzleitner, I. J., Talamas, S. N., & Perrett, D. I. (2016). Perception of health from facial cues. *Philosophical Transactions of the Royal Society B*, *371*, 20150380
- Jury, M., Smeding, A., Stephens, N. M., Nelson, J. E., Aelenei, C., & Darnon, C. (2017). The experience of low-SES students in higher education: Psychological barriers to success and interventions to reduce social-class inequality. *Journal of Social Issues*, *73* (1) , 23-41.
- Keating, C. F., Mazur, A., Segall, M. H., Cysneiros, P. G., Divale, W. T., Kilbride, J. E., et al. (1981). Culture and the perception of social dominance from facial expression. *Journal of Personality and Social Psychology*, *40*, 615-626.
- Keltner, D., Gruenfeld, D. H., & Anderson, C. (2003). Power, approach, and inhibition. *Psychological Review*, *110*, 265.
- Kraus, M. W., Cote, S., & Keltner, D. (2010). Social class, contextualism, and empathic accuracy. *Psychological Science*, *21*, 1716-1723.
- Kiebler, J. M., & Stewart, A. J. (2023). The hidden cues of social class: What do people rely on when determining someone else's social class?. *Analyses of Social Issues and Public Policy*.
- Kraus, M. W., & Keltner, D. (2009). Signs of socioeconomic status a thin-slicing approach. *Psychological Science*, *20*, 99-106.
- Kraus, M. W., & Keltner, D. (2013). Social class rank, essentialism, and punitive judgment. *Journal of Personality and Social Psychology*, *105*, 247
- Kraus, M. W., Park, J. W., & Tan, J. J. (2017). Signs of social class: The experience of economic inequality in everyday life. *Perspectives on Psychological Science*, *12*, 422-435.
- Kraus, M. W., Piff, P. K., Mendoza-Denton, R., Rheinschmidt, M. L., & Keltner, D. (2012). Social class, solipsism, and contextualism: How the rich are different from the poor. *Psychological Review*, *119*, 546-572.
- Malatesta, C. Z., Fiore, M. J., & Messina, J. J. (1987). Affect, personality, and facial expressive characteristics of older people. *Psychology and Aging*, *2*, 64-69.
- Manuel, J., Francisco, J., & Félix, A. (2009). Exploring the impact of individualism and uncertainty avoidance in Web-based electronic learning: *An empirical analysis in European higher education*. *Comput Educ.* *52*:588-98.
- McArthur, L. Z., & Baron, R. M. (1983). Toward an ecological theory of social perception. *Psychological Review*, *90*, 215.
- Montepare, J. M., & Dobish, H. (2003). The contribution of emotion perceptions and their overgeneralizations to trait impressions. *Journal of Nonverbal Behavior*, *27*, 237-254.
- Mueller, U., & Mazur, A. (1996). Facial dominance of West Point cadets as a predictor of later military rank. *Social Forces*, *74*, 823-850.

- Piff, P. K., Kraus, M. W., & Keltner, D. (2018). Unpacking the inequality paradox: The psychological roots of inequality and social class. In *Advances in experimental social psychology* (Vol. 57, pp. 53-124). Academic Press.
- Rule, N. O., & Ambady, N. (2011). Judgments of power from college yearbook photos and later career success. *Social Psychological and Personality Science*, 2, 154-158.
- Rule, N. O., Macrae, C. N., & Ambady, N. (2009). Ambiguous group membership is extracted automatically from faces. *Psychological Science*, 20, 441-443.
- Rule, N. O., Tskhay, K. O., Freeman, J. B., & Ambady, N. (2014). On the interactive influence of facial appearance and explicit knowledge in social categorization. *European Journal of Social Psychology*, 44, 529-535.
- Schmid Mast, M., & Hall, J. A. (2004). Who is the boss and who is not? Accuracy of judging status. *Journal of Nonverbal Behavior*, 28, 145-165.
- Singh-Manoux, A., Adler, N. E., & Marmot, M. G. (2003). Subjective social status: its determinants and its association with measures of ill-health in the Whitehall II study. *Social Science and Medicine*, 56, 1321-1333.
- Stephen, I. D., Scott, I. M., Coetzee, V., Pound, N., Perrett, D. I., & Penton-Voak, I. S. (2012). Crosscultural effects of color, but not morphological masculinity, on perceived attractiveness of men's faces. *Evolution and Human Behavior*, 33, 260-267.
- Stephens, N. M., Hamedani, M. G., Markus, H. R., Bergsieker, H. B., & Eloul, L. (2009). Why did they "choose" to stay? Perspectives of the Hurricane Katrina observers and survivors. *Psychological Science*, 20, 878-886.
- Stephens, N. M., Markus, H. R., & Phillips, L. T. (2014). Social class culture cycles: How three gateway contexts shape selves and fuel inequality. *Annual Review of Psychology*, 65, 611-634.
- Tskhay, K. O., & Rule, N. O. (2013). Accuracy in categorizing perceptually ambiguous groups: A review and meta-analysis. *Personality and Social Psychology Review*, 17, 72-86.
- Walker, A. D., & Smith, L. (2018). Social class oppression as social exclusion: A relational perspective. In P. L. Hammack (Ed.), *The Oxford Handbook of Social Psychology and Social Justice* (pp. 245-257). Oxford University Press.
- Zebrowitz, L.A. (1997). *Reading faces: Window to the soul?* Boulder, CO: Westview Press.

